

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال هشتم ♦ شماره ۱۶ ♦ پاییز و زمستان ۱۴۰۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰ ♦ صفحات: ۷۳-۹۵

نقد و بررسی دیدگاه‌های حیدرعلی قلمداران پیرامون زیارت قبور و ساخت بنا بر آنها

مائده جعفری *

عبدالمجید طالب تاش **

فیض الله اکبری دستک ***

چکیده

حیدرعلی قلمداران یکی از قرآنیون معاصر شیعی در ایران است که به نقد عقاید شیعی می‌پردازد. پژوهش حاضر، به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، به بررسی دیدگاه قلمداران در مسئله زیارت قبور و ساخت بنا بر آنها پرداخته است. این پژوهش به‌دست داد که وی مسئله زیارت قبور را خرافات و بدعت شیعی می‌خواند و معتقد است، از حقایق شرعی نیست. قلمداران مخالف ساخت بنا مانند گنبد و ضریح بر روی قبور است و آن را شرک می‌داند و با تألیف کتابی با نام زیارت قبور بین حقیقت و خرافات، اشکالات متعددی به این کار وارد کرده است. وی مهمترین دلیل خود را، عدم ذکر موضوع زیارت قبور در قرآن، نهی از زیارت قبور توسط پیامبر ﷺ، سفارش حضرت فاطمه علیها السلام به دفن مخفیانه، نفی دلالت زیارت قبور در آیه هشتاد و چهار سوره توبه، وجود حدیث منع زیارت قبور، عید قرار ندادن قبر پیامبر ﷺ و حدیث پیامبر ﷺ مبنی بر تسویه قبور می‌داند. در این تحقیق به صحت و سقم دیدگاه‌های قلمداران در زمینه زیارت قبور پرداخته شده و روشن گردیده است آیات قرآن، متون روایی، مستندات تاریخی و دلایل شیعه و اهل سنت حاکی از آن است که دیدگاه قلمداران مردود بوده و زیارت قبر پیامبر ﷺ و مومنان و ساخت بنا بر آنها، امری جایز و مشروع است.

کلیدواژه‌ها: قلمداران، قرآنیون، زیارت قبور، بناء بر قبور، گنبدسازی.

* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. Maedehjafari9574@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث مؤسسه آموزش عالی فاطمیه شیراز (نویسنده مسئول). talebtash@yahoo.com.

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. F.akbari@kiauo.ac.ir.

۱. مقدمه

قلمداران یکی از قرآنیون شیعی معاصر ایران است. از آنجا که مبنای فکری قرآنیون «قرآن‌گرایی» است، لذا منجر به عدم حجیت احادیث نزد آنان شده است؛ ایشان برخی از اعتقادات شیعه را مردود می‌دانند؛ از جمله اشکالات قلمداران بر آموزه‌های شیعی، اشکال بر مسئله زیارت قبور و بنای بر آنها است. وی در کتاب زیارت قبور بین حقیقت و خرافات،^۱ مسئله زیارت قبور و بنای بر آنها را مورد نقد قرار داده است. سوال این است که قلمداران چه اشکالاتی بر روایات و دیدگاه‌های شیعی در موضوع زیارت قبور و بنای بر آنها وارد کرده است؟ و چه نقدهایی بر اشکالات او وارد است؟ با توجه به اینکه، در حال حاضر برخی افراد و گروه‌ها این نوع تفکرات را پذیرفته و حیدرعلی قلمداران، یکی از افراد این جریان است که اندیشه‌هایش در فضای مجازی انتشار یافته و عده‌ای در جهت گسترش اندیشه‌های وی تلاش می‌کنند، لازم است که در این زمینه با معیار قرآن و حدیث تحقیق علمی صورت گیرد، تا قوت یا ضعف این دیدگاه آشکار شود؛ از این‌رو ضرورت دارد که این دیدگاه، مورد مطالعه علمی قرار گیرد. پیش از این، او مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی دیدگاه قلمداران در مسئله امامت امام علی (علیه السلام)» نگاشته^۲ که به تحلیل و بررسی درباره موضوع امامت امیر مؤمنان (علیه السلام) پرداخته است؛ لکن درباره دیدگاه وی در موضوع زیارت قبور، اثر علمی یافت نشد و این تحقیق، نخستین پژوهش در این زمینه می‌باشد؛ علاوه بر این، مقالاتی با عنوان «زیارت قبور و دلایل عالمان شیعه بر مشروعیت آن»،^۳ «مشروعیت زیارت قبور از دیدگاه دانشمندان اهل سنت»^۴، «رد نظر وهابیت از سوی اهل سنت در حرمت زیارت قبور»،^۵ «ساخت بنا بر قبور در

۱. کتاب راه نجات از شر غلات، شامل مجموعه‌ی پنج قسمتی است که مباحثی مثل علم غیب ائمه (علیهم السلام)، ولایت، شفاعت، زیارت و غلو، مورد نقد قرار گرفته است. قلمداران می‌گویند که این کتاب در نقد گرایش‌ها و رفتارهای غلوآمیز شیعی می‌باشد. یکی از بخش‌های این کتاب زیارت قبور بین حقیقت و خرافات است که شامل استنادات قلمداران در مسئله زیارت قبور و اشکالاتی که به آن وارد کرده است، می‌باشد. لازم به ذکر است که در فضای مجازی، درگاهی به نام او وجود دارد که به معرفی و نشر آثار وی می‌پردازد. <http://www.qalamdaran.com>.

۲. جعفری و همکاران، «تحلیل انتقادی آراء حیدر علی قلمداران در مسئله امامت امام علی (علیه السلام)»، پژوهش دینی، شماره ۴۳، ص ۱۲۳ تا ۱۵۱.

۳. فرمانیان و صداقت.

۴. خالقی.

۵. عباسی.

بررسی نگاه شیعه و سلفیه»^۱، همچنین کتاب زیارت اهل قبور، توسط عبدالرحیم موسوی، کتاب زیارت قبور، توسط علی اصغر رضوانی، کتاب پاسداری از مرقد پیامبران و امامان، توسط جعفر سبحانی نگاشته شده که به اثبات مشروعیت زیارت قبور و رفع برخی شبهات پیرامون این مطلب می پردازد و با موضوع مورد پژوهش متفاوت است. هدف پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل انتقادی استنادات قلمداران در مورد مخالفت وی با مسئله زیارت قبور و ساخت بنا بر آنها به عنوان یکی از شعائر دینی شیعیان به روش توصیفی - تحلیلی است.

۲. زیارت قبور از دیدگاه قلمداران

زیارت قبور یکی از شعائر دینی مورد قبول شیعیان است که در فرهنگ آنان جایگاه و اهمیت خاصی دارد.^۲ شیعه بنای بر قبور (اعم از قبه و مسجد)، را نیز جایز می داند؛^۳ در مقابل وهابیت به زیارت قبور اعتقادی ندارند و شیعیان را به خاطر عمل به این مسئله، تخطئه می کنند.^۴ در این جا، موضع قلمداران در خصوص زیارت قبور و ساخت بنا بر آنها مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

۲/۱. پیامبر اکرم ﷺ و زیارت قبور

قلمداران با استناد به روایاتی که حاکی از نهی پیامبر اکرم ﷺ از زیارت قبور است، زیارت قبور را مورد انکار قرار داده است. وی تأکید می کند که هیچ روایتی در خصوص جواز زیارت قبور از قول پیامبر اکرم ﷺ در متون روایی یافت نمی شود؛^۵ بلکه طبق روایات رسیده، زیارت قبور مورد نفرت و کراهت آن حضرت و اصحاب ایشان بوده است.^۶ وی به این سخن پیامبر ﷺ استناد می کند که فرموده است: شما را از زیارت

۱. احسان پور.

۲. مظفر، محمدرضا، عقائد الامامیه، ج ۱، ص ۱۴۳.

۳. جزیری، عبدالرحمان، الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۴۸۷.

۴. «زارعی سبزواری، عباس علی، زیارت در نگاه شریعت، ص ۹»؛ «تمیمی، محمد بن عبدالوهاب، فتاوی و مسائل محمد بن عبدالوهاب، ص ۶۹»؛ «عبود، صالح بن عبدالله، عقیده محمد بن عبدالوهاب السلفیه و اثرها فی العالم الاسلامی، ج ۲، ص ۷۲۳»؛ «ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الرد علی الاخوانی، ص ۵۲».

۵. قلمداران، حیدرعلی، زیارت قبور بین حقیقت و خرافات، ص ۴۹.

۶. همان، ص ۱۱۱ و ۴۶ و ۳۲.

قبور نهی می‌کنم؛^۱ به نظر او، روایات دیگر حاکی از آن است که نه تنها زیارت قبور عبادت نیست، بلکه مورد نهی شریعت است؛ سپس به روایتی اشاره می‌کند که در آن پیامبر ﷺ می‌گوید: کسی که قبرها را زیارت کند از ما نیست؛^۲ همچنین به روایتی از امیرمومنان علیه السلام اشاره می‌کند که در آن تصریح کرده: پیامبر ﷺ ما را از زیارت قبور نهی فرمود؛^{۳، ۴} از دیدگاه وی، در زمان رسول خدا ﷺ، هیچ مسلمانی برای زیارت اموات اعم از شهدا به مشهدی نرفته است؛ به همین دلیل، قبر حمزه سیدالشهداء متروک ماند.^۵ ملاحظه می‌شود که از منظر قلمداران، پیامبر و ائمه علیهم السلام مسلمانان را از زیارت قبور نهی کرده‌اند و آنچه امروزه در میان شیعیان رایج است که قبور را زیارت می‌کنند، ریشه در سنت ندارد و بدعت می‌باشد.

نقد و بررسی

دیدگاه قلمداران در خصوص زیارت قبور از چند جهت قابل بررسی و تحلیل است که در ذیل می‌آید.

۱/۱/۲ وجود روایات معارض

گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که در خصوص زیارت قبور، دوگونه روایات معارض از پیامبر ﷺ در دست است؛ بنابراین لازم است، سبب صدور هر دو دسته روایات، مورد بررسی قرار گیرد. روایاتی که قلمداران به آنها استناد کرده، در متون روایی وجود دارد و حاکی از نهی رسول خدا ﷺ از زیارت قبور است؛ اما در مقابل، روایات دیگری نیز یافت می‌شود که حاکی از جواز زیارت قبور توسط رسول اکرم ﷺ است:

الف: رسول خدا ﷺ هنگامی که در راه "عمره حدیبیه" به "ابواء" رسید، نزد قبر مادرش آمنه علیه السلام آمد؛ آن را اصلاح کرد و در کنار آن گریست. مسلمانان نیز به خاطر گریه رسول خدا ﷺ گریستند.^۶

۱. بیهقی، احمد بن حسین، سنن البیهقی، ج ۴، ص ۷۷.

۲. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، ج ۳، ص ۵۶۹.

۳. بغدادی، جمعه، مسند الامام زید، ص ۲۴۶.

۴. قلمداران، حیدرعلی، زیارت قبور بین حقیقت و خرافات، ص ۲۵-۲۲ و ۱۷.

۵. همان، ص ۱۵۰.

۶. «ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۱۱۶»؛ «نسائی، احمد بن شعیب، سنن نسائی، ج ۱، ص ۲۶۷»؛

ب: بنابر نقل عایشه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخی از شب‌ها، خانه را به قصد زیارت بقیع ترک می‌کرد و وارد بقیع می‌شد.^۱

ج: پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیاتش دستور می‌داد که به زیارت قبر حضرت حمزه سیدالشهدا علیه السلام بروید و خودش نیز به زیارت قبور شهدا می‌رفت.^۲

د: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که ایشان به اصحاب توصیه زیارت قبر خودشان می‌کردند و می‌فرمودند: هر کسی که قبر مرا زیارت کند، مشمول شفاعت من می‌شود.^۳

تعارض میان این دو دسته روایات، از جهتی قابل رفع است؛ زیرا دسته سومی از روایات یافت می‌شود که نشان می‌دهد نهی از زیارت، مربوط به یک مقطع زمانی خاص و جواز زیارت، مربوط به مقطع زمانی دیگری است. برخی از این روایات به قرار زیر است:

الف: روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است که بر اساس آن تاکید می‌کند: شما را پیش از این از زیارت قبور نهی کردم، از این پس زیارت کنید.^۴

ب: عایشه در پاسخ به کسانی که با استناد به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله، او را از زیارت قبر برادرش نهی می‌کردند تاکید کرد: پیامبر صلی الله علیه و آله در ابتدا نهی کرده بودند، اما بعد اجازه دادند.^۵

«عسگری، مرتضی، بزرگداشت یاد انبیاء و بندگان صالح خدا، ص ۴۱»؛ «نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۵»؛ «ابن‌ماجه، محمد، سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۵۰۱»؛ «سجستانی، ابوداود، سنن، ج ۲، ص ۸۷».

۱. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۸۶.

۲. «مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، ص ۱۳۱»؛ «مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۴۴۴»؛ «پژوهشکده باقرالعلوم، موسوعة سنن الرسول الاعظم، ص ۵۹۱»؛ «شریفی، محمود، زیارت در سیره معصومین علیهم السلام، فصل‌نامه فرهنگ زیارت، ش ۱، تابستان ۱۳۸۸، ص ۳۳».

۳. «عجلونی جراحی، اسماعیل بن محمد، کشف الخفاء، ج ۲، ص ۲۵۰»؛ «سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱، ص ۲۳۷»؛ «بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۴۵»؛ «دارقطنی شافعی، ابوالحسن، سنن الدارقطنی، ج ۲، ص ۲۷۸»؛ «سبکی، تقی‌الدین، شفاء السقام فی زیارة خیر الانام علیه افضل الصلاه والسلام، ص ۱۴»؛ «سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱، ص ۲۳۷»؛ «متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۶۵۱»؛ «شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار شرح منتقی الخبار من احادیث سید الاخبار، ج ۵، ص ۱۰۸»؛ «غضنفری، علی، مبانی تشیع در منابع تسنن، ص ۲۸۶».

۴. «حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۱-۱۷۰»؛ «مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۴۴۱»؛ «ابن‌بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۳۹»؛ «ابن‌طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۱۶۳»؛ «نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۳۶۴»؛ «حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۳۰».

۵. «حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۳۲»؛ «صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، ج ۳، ص ۵۶۹».



ج: مطابق نقل ابوهریره وقتی پیامبر ﷺ، کنار قبر مادرش حضرت آمنه علیها السلام آمدند، فرمودند: خداوند به من اجازه داد تا برای او استغفار کنم؛ در حالی که قبلاً اجازه نداشتیم؛ پس درخواست کردم تا قبر وی را زیارت کنم و به من اجازه داده شد؛ سپس تاکید کردند که قبور را زیارت کنید، چون در آن یادآوری مرگ است.^۱ نووی شافعی پس از نقل حدیث اذعان می‌کند: این حدیث بدون شک از احادیثی صحیحی است که ناسخ و منسوخ در آن جمع است.^۲

ملاحظه می‌شود که قلمداران، تنها به یک دسته از روایات مراجعه کرده و همان‌ها را مستند دیدگاه خویش قرار داده است.

۲/۱/۲. علت منع از زیارت قبور

مستندات تاریخی حاکی از آن است که دلیل منع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از زیارت قبور، آن است که در دوران آغازین اسلام، بیشتر آرامگاه‌ها متعلق به مشرکان و بت‌پرستان بود و مسلمانان قبرستان مجزایی نداشتند؛ بنابراین اسلام تمام امور مرتبط با مشرکان را قطع کرد و بر همین اساس، زیارت قبور و رفتن به قبرستان مشرکان را منع نمود، تا شباهتی میان مسلمانان با مشرکان وجود نداشته باشد؛ زیرا ممکن بود که مشرکان از این زمینه‌های مشترک استفاده نامناسب کنند و برای باطل‌انگاری دین اسلام به آنها استناد کنند؛^۳ لذا بعدها توصیه می‌کند که قبور مسلمانان و شهیدان که در مقابل شماست را زیارت کنید، زیرا موجب رقت قلب است.^۴ کاشف الغطاء بر این عقیده است که در صدر اسلام، تحریک و تشویق مسلمانان به جهاد برای گسترش اسلام، در اولویت برنامه‌های پیامبر اسلام بود. شاید به این دلیل که زیارت قبور سبب می‌شد در مسلمانان نوعی خوف و ترس از مرگ ایجاد شود و نسبت به مشارکت در جهاد سستی بورزند، لذا

۱. «نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۸۸»؛ «ابن ماجه، محمد، سنن، ج ۱، ص ۵۰۱»؛ «سجستانی، ابوداود، سنن، ج ۲، ص ۸۷»؛ «نسائی، احمد بن شعیب، سنن نسائی، ج ۴، ص ۹۰»؛ «مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۵۳۰».

۲. «نووی، یحیی، المنهاج فی شرح صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۰»؛ «خالقی، صدیقه، «مشروعیت زیارت قبور از دیدگاه دانشمندان اهل سنت»، فصل‌نامه فرهنگ زیارت، ش ۲۹، ص ۱۳۹۵، ص ۷۴-۷۲».

۳. «سبحانی، جعفر، الوهابیه فی المیزان، ص ۹۶»؛ «موسوی، محمد، پاسخ به ۹۰ شبهه وهابیت، ص ۳۲».

۴. «ابن ابی‌جمهور، محمد، عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۴۵»؛ «نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۳۶۴».

ایشان برای مدتی زیارت قبور را نهی کردند؛ ولی با قدرت گرفتن اسلام، جواز زیارت قبور را صادر کردند.^۱ این امر یعنی، منع از زیارت قبور، تا سال ششم هجری ادامه داشت؛ ولی به محض فراهم شدن زمینه‌ها در سال هفتم هجری در عمره حدیبیه،^۲ این منع برداشته شد؛ بنابراین سیره و گفتار پیامبر ﷺ، حاکی از این است که دیدگاه قلمداران در خصوص منع پیامبر ﷺ از زیارت قبور، مستند تاریخی ندارد.

۳/ ۱/ ۲. سیره و روش صحابه در زیارت قبور

گزارش‌های تاریخی، حاکی از مشروعیت زیارت قبور مؤمنان در قرون اولیه اسلام است؛ برای نمونه، بلال نزد قبر پیامبر ﷺ آمد و بر قبر می‌گریست و صورتش را به خاک قبر می‌غلطاند. حسن و حسین علیهما السلام آمدند او را بغل کردند و بوسیدند.^۳ بنا به نقل عباد بن ابی‌صالح، ابوبکر و عمر و عثمان، برای زیارت قبور شهدا می‌آمدند.^۴ شاهد این مطلب آن است که عثمان هنگام گریه بر قبر، تاکید می‌کرد قبر، نخستین خانه از منزل‌گاه‌های آخرت است؛^۵ همچنین عمر بن خطاب پس از فتح شام، هنگامی که وارد مدینه شد، ابتدا به مسجدالنبی رفت و به پیامبر ﷺ سلام کرد؛^۶ لذا زیارت قبور از سنت‌های رایج بین صحابه بوده و سخنان قلمداران مبنی بر عدم نقل گزارش تاریخی از مسلمانان صدر اول و صحابه و مورد نفرت بودن زیارت از سوی آنان، مردود است.

۴/ ۱/ ۲. سیره ائمه علیهم‌السلام در زیارت قبور

سیره و روش ائمه علیهم‌السلام، بیانگر این است که به مناسبت‌های مختلف در قبرستان مسلمین حضور می‌یافتند و با خطاب قرار دادن دوستانی که به خاک سپرده شده بودند، یاد مرگ را زنده می‌داشتند. ورام بن ابی‌فراس نقل می‌کند امام صادق علیهما السلام، گاهی شبانه به زیارت

۱. «کاشف الغطاء، جعفر، منهج الرشاد لمن اراد السداد، ص ۱۴۴»؛ «سبحانی، جعفر، الوهابیه فی المیزان، ص ۹۶».

۲. ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۴.

۳. «ابن‌عساکر، علی، تاریخ مدینه دمشق، ج ۷، ص ۱۳۷»؛ «ابن‌اثیر، عزالدین، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۱، ص ۲۰۸»؛ «موسوی، عبدالرحیم، زیارت اهل قبور، ص ۳۳۴».

۴. «ابن‌شبه، عمر، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۳۲»؛ «سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۳۲»؛ «شریفی، محمود، زیارت در سیره معصومین علیهم‌السلام، فصل‌نامه فرهنگ زیارت، ش ۱، ص ۱۳۸۸، ص ۳۰».

۵. «عجلونی جراحی، اسماعیل بن محمد، کشف الخفاء، ج ۲، ص ۹۰»؛ «غضنفری، علی، مبانی تشیع در منابع تسنن، ص ۲۸۶-۲۸۵».

۶. «سبکی، تقی‌الدین، شفاء السقام، ص ۱۴۴»؛ «واقدی، ابن‌عمر، فتوح الشام، ج ۱، ص ۲۴۴».

قبور می آمد.^۱ بنا به نقل عبدالله بن رزین که مجاور مدینه الرسول بود، امام جواد علیه السلام هر روز کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر آن بزرگوار سلام می کرد و از آنجا با پای برهنه، به طرف خانه حضرت فاطمه علیها السلام می رفت و آنجا می ایستاد و نماز می خواند.^۲ بنا به سخن امام صادق علیه السلام، علی بن ابی طالب علیه السلام هر روز قبر حضرت زهرا علیها السلام را زیارت می کرد.^۳ امیرمؤمنان علیه السلام در روایتی سفارش می کند: زمانی که آهنگ زیارت خانه خدا کردید، حج خود را با زیارت مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پایان برسانید.^۴ امام رضا علیه السلام در روایتی توصیه به زیارت قبور پیشوایان دین می کند و آن را عهد و پیمان مردم بر پیشوایان دانست؛^۵ همچنین امام صادق علیه السلام توصیه می کند که مردم به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بروند.^۶ امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هر که نتواند به زیارت قبور ما بیاید، قبور برادران صالح ما را زیارت کند.^۷ روایتی از امام باقر علیه السلام رسیده که بر اساس آن، شیعیان را به زیارت مرقد حسین بن علی علیه السلام سفارش می کند و تاکید می کند که زیارت آن بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حسین علیه السلام از جانب خداوند دارد، واجب است؛^۸ همچنین علی بن میمون نقل می کند که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: اگر کسی از شما، هزار حج انجام دهد، ولی به زیارت قبر امام حسین علیه السلام نرود، حقی از حقوق خداوند را ترک کرده است؛^۹ بنابراین هم سیره و روش اهل بیت علیهم السلام و هم توصیه ها و

۱. «حلی، ورام بن ابی وراس، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، ج ۱، ص ۲۸۴»؛ «شوشتری، نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۲۸، ص ۳۷۵»؛ «شریفی، محمود، زیارت در سیره معصومین علیهم السلام، فصل نامه فرهنگ زیارت، ش ۱، س ۱۳۸۸، ص ۴۵».
۲. «ابن شهر آشوب، ابوجعفر، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۷»؛ «مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۹۵»؛ «شریفی، محمود، زیارت در سیره معصومین علیهم السلام، فصل نامه فرهنگ زیارت، ش ۱، س ۱۳۸۸، ص ۴۸».
۳. «حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمه فی اصول الائمه، ص ۱۴۰»؛ «حر عاملی، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۳۶»؛ «شریفی، محمود، زیارت در سیره معصومین علیهم السلام، فصل نامه فرهنگ زیارت، ش ۱، س ۱۳۸۸، ص ۳۵».
۴. «ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، ص ۴۰۶»؛ «حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۳۲».
۵. «حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۲»؛ «ابن قولویه، جعفر، کامل الزیارات، ص ۱۵»؛ «مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۱۶»؛ «سبحانی، جعفر، پاسداری از مرقد پیامبران و امامان، ص ۵۳».
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۳۸.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۵۹؛ همان، ج ۷۴، ص ۲۴۸؛ همان، ج ۸۲، ص ۶۴.
۸. «مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳»؛ «ابن بابویه، محمد، الخصال، ص ۱۲۶».
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۵.

گفتار ایشان، نشانگر این امر است که زیارت قبور مومنین، نه تنها امر جایز، بلکه پسندیده و ممدوح به شمار می آید.

۵/۱/۲. سیره عالمان اهل سنت در زیارت قبور

خطیب بغدادی شافعی تصریح می کند که بارها، مقبره سلمان فارسی را از نزدیک دیده و زیارت کرده است.^۱ ابوعلی خلال، شیخ حنابله اذعان می کند که هرگاه به مشکلی برمی خورد، با زیارت قبر موسی بن جعفر علیه السلام و متوسل شدن به ایشان، مشکالش حل می شد.^۲ شیخ منصور علی ناصف تأکید می کند، نزد جمهور اهل سنت زیارت قبور مستحب است.^۳ علامه امینی چهل و دو روایت از ائمه اهل سنت در تأکید استحباب زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می آورد که در آن ترغیب به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله کرده اند.^۴ ابن حبان از علمای اهل سنت تصریح می کند: زمانی که در توس بودم، هر مشکلی برایم رخ می داد، قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام را زیارت می کردم و برای برطرف شدن مشکلم دعا می کردم و حل می شد.^۵ زیارت قبر شیخ عبدالقادر گیلانی و امام ابوحنیفه در بغداد از نظر جماعتی از اهل سنت جایز و ثواب دارد؛^۶ همچنین قبر شیخ معین الدین چشتی، از بزرگان متصوفه در شهر اجمیر هند، همه ساله از شبه قاره هند، زائرین زیادی را می پذیرد؛^۷ بنابراین، زیارت قبور از دیدگاه اکثر عالمان اهل سنت امری مستحب است و سخنان قلمداران مبنی بر اینکه، زیارت قبور ریشه در سنت ندارد و بدعتی از سوی شیعیان به شمار می آید، مردود است.

۲/۲. قرآن و زیارت قبور

قلمداران معتقد است در هیچ یک از آیات قرآن، به مسئله زیارت قبور اشاره نشده و در

۱. «خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۶۳»؛ «خالقی، صدیقه، مشروعیت زیارت قبور از دیدگاه دانشمندان اهل سنت، فصل نامه فرهنگ زیارت، ش ۲۹، زمستان ۱۳۹۵، ص ۷۷-۷۴».

۲. «خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰»؛ «صانعی، نیره السادات، پاسخ به شبهات در شب های پیشاور، ص ۱۲۵-۱۲۴».

۳. ناصف، منصور علی، التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، ج ۱، ص ۳۸۱.

۴. «ابن الحاج عبدی، محمد، المدخل لابن حاج، ج ۱، ص ۲۵۶»؛ «امینی، عبدالحسین، الغدير فی الکتاب و السنه و الادب، ج ۹، ص ۱۹۴».

۵. ابن حبان، محمد، الثقات، ص ۴۵۷-۴۵۶.

۶. صانعی، نیره السادات، پاسخ به شبهات در شب های پیشاور، ص ۱۲۲.

۷. رکنی یزدی، محمد مهدی، شوق دیدار، ص ۲۶.



دین اسلام و یا ادیان الهی، عبادتی به عنوان زیارت قبور تشریع نشده است؛ لذا زیارت قبور به شیوه امروزی وجود نداشته و بعدها در بین شیعه رواج یافت.^۱ او علت رونق یافتن زیارت قبور اموات را، تقلید و تبعیت از سنن و آداب ملل غیر اسلامی و ورود اکثر آداب و رسوم ایران، مخصوصاً آداب و سنن تجهیز اموات (مانند تشییع جنازه بزرگان، ساختن بقعه، دخمه و دیگر تشریفات) می داند که به نام آداب اسلامی در میان مسلمین رایج شده است؛ در حالی که هیچ جایگاهی در قرآن ندارد؛^۲ بنابراین از نظر قلمداران، زیارت قبور مستند قرآنی ندارد و آنچه امروزه توسط شیعیان انجام می شود که قبور مؤمنان را زیارت می کنند، مورد تطابق با آیات قرآن نیست.

بررسی و نقد

در قرآن آیه ای یافت نمی شود که زیارت قبور را نهی کرده باشد؛ بنابراین اگر آیه صریحی مبنی بر مشروعیت زیارت قبور نیامده، هیچ آیه ای هم مبنی بر منع آن نیز وجود ندارد؛ لذا صرف اینکه عملی در اُمت های گذشته بوده و در قرآن، امر یا نهی درباره آن وجود ندارد، دلیل بر حرمت نیست؛ به عبارت دیگر، باید از شارع دلیلی بر منع وجود داشته باشد؛ اما چنین منعی در قرآن نیست؛ لذا استدلال قلمداران منطقی نمی باشد؛ البته علمای شیعه در مقابل این اشکال، به آیاتی از قرآن استناد می کنند که به صورت اشاره بیانگر مشروعیت زیارت قبور است. قرآن می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا».^۳ برخی معتقدند فعل «جَاءُوكَ» دلالت بر عمومیت زمان حیات و ممات پیامبر ﷺ و عدم تفاوت آن دارد که مؤید رفتن بر مزار پیامبر اکرم ﷺ است^۴ و از امام صادق علیه السلام زیارت نامه ای برای پیامبر اکرم ﷺ رسیده که در آن، به این آیه استناد کرده است.^۵ سبکی اذعان می کند، علما از

۱. قلمداران، حیدر علی، زیارت قبور بین حقیقت و خرافات، ص ۲۰-۱۷.

۲. همان، ص ۴۹.

۳. سوره نساء، آیه ۶۴.

۴. «میردامادی، عبدالمجید، زیارة الرسول المصطفی و آله بدعة او شرعة، ص ۶۷»؛ «سبحانی، جعفر، آیین و هابیت، ص ۱۲۶-۱۲۵».

۵. «ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۱۶»؛ «فرمانیان، مهدی و صداقت، مجتبی، زیارت قبور و دلایل عالمان شیعه بر مشروعیت آن، فصل نامه شیعه شناسی، ش ۳۱، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۴۶-۱۴۲».

این آیه عدم تفاوت حیات و ممات پیامبر ﷺ را استنباط کرده‌اند؛ زیرا طبق فرموده پیامبر ﷺ، خداوند فرشتگانی دارد که همیشه در حال سیر و گردش هستند و سلام‌ها و درودهای امت را به او می‌رسانند.^۱ به تصریح شوکانی، جمهور علمای اهل سنت به غیر ابن تیمیه و برخی حنابله، از آیه فوق، استحباب زیارت قبر رسول خدا ﷺ را نتیجه گرفته‌اند.^۲ سمعانی از امیر مومنان علیؑ نقل می‌کند که یک اعرابی بعد از سه روز از دفن پیامبر اکرم ﷺ وارد مدینه شد و مستقیماً کنار قبر ایشان آمد و آنگاه با تلاوت آیه فوق، رو به قبر پیامبر ﷺ بیان کرد که من، به خود ظلم کرده‌ام و لذا نزد تو آمده‌ام تا برایم استغفار نمایم.^۳ اسفراینی و ابن کثیر نیز در تفسیر این آیه، این داستان را نقل می‌کنند.^۴ «زین الدین مصری مراغی،» با استناد به این آیه تأکید می‌کند که برای هر مسلمان، سزاوار است که اعتقاد داشته باشد که زیارت رسول خدا ﷺ قربت بزرگی است؛ به این دلیل که تعظیم پیامبر ﷺ با مرگ ایشان قطع نمی‌شود؛^۵ بنابر تصریح صادقی تهرانی، این آیه به زیارت پیامبر ﷺ در حیات و ممات تشویق می‌کند. پیامبر ﷺ نزد خدا حیات دارد و نزد خدا روزی داده می‌شود و ایشان زائر را می‌بیند و کلامش را می‌شنود و سلامش را جواب می‌دهد؛^۶ علاوه بر این، اعمال مومنان بر ایشان عرضه می‌شود و ایشان بر گناهانشان استغفار و بر حسناتشان، خدا را حمد می‌کند؛^۷ بنابراین با توجه به اینکه بین حیات ظاهری و حیات برزخی ایشان فرقی وجود ندارد، با استناد به قرآن، استغفار از پیامبر ﷺ، هم در حال حیات ایشان مطلوب است و هم پس از آن و پس از رحلت پیامبر ﷺ می‌توان به حضور ایشان رسید و درخواست کرد تا برای انسان، از خداوند طلب آمرزش کند.

۱. «سبکی، تقی الدین، شفاء السقام، ص ۲۱۰-۲۰۹»؛ «هیثمی، علی بن ابی‌بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۲۴»؛ «سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱، ص ۵۸۲»؛ «حافظ عراقی، عبدالرحیم، طرح التشریح فی شرح التقریب، ص ۲۹۷».
۲. شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار شرح منتقی الخبار من احادیث سید الاخبار، ج ۵، ص ۱۷۸.
۳. سمهودی، علی، وفاء الوفا، ج ۲، ص ۶۱۲.
۴. «اسفراینی، ابومظفر، تاج التراجم، ج ۲، ص ۸۸۹»؛ «ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۰۶».
۵. امینی، عبدالحسین، الغدير، ج ۵، ص ۱۱۵.
۶. صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، ص ۸۸.
۷. «امین، محسن، کشف الازتیاب، ص ۳۶۵»؛ «میردامادی، عبدالمجید، زیارة الرسول المصطفی و آله بدعه او شرعه، ص ۶۴».



ملاحظه می‌شود که قرآن، مخالفتی با زیارت قبور نکرده و در مقابل، آیاتی یافت می‌شود که به صورت تلویحی، رفتن به زیارت قبور را تأیید می‌کند.

۲/۳. حضرت فاطمه علیها السلام و سفارش به دفن شبانه

قلمداران برای تبیین دیدگاه خود به وصیت حضرت فاطمه علیها السلام مبنی بر نامعلوم بودن قبرش استناد می‌کند و دفن مخفیانه و بی اطلاعی دیگران از مزار آن حضرت را، دال بر نهی از زیارت قبور توسط آن حضرت می‌داند. وی تصریح می‌کند: دفن حضرت فاطمه علیها السلام توسط حضرت علی علیه السلام به کیفیتی که قبر او تا امروز هم معلوم نیست و قبرش از انظار جهانیان مخفی می‌باشد، حاکی از آن است که زیارت قبور توسط ائمه علیهم السلام نهی شده است.^۱

بررسی و نقد

شواهد نشان می‌دهد که وصیت حضرت زهرا علیها السلام مبنی بر دفن شبانه به دلیل مخالفت ایشان با زیارت قبور نبوده است؛ بلکه برای این بوده که حضرت می‌خواست با این وصیت، نارضایتی خود از برخی بزرگان صحابه را اعلام نماید؛^۲ بر اساس مستندات تاریخی، امام علی علیه السلام نیز، طبق وصیت فاطمه زهرا علیها السلام عمل نمود و او را شبانه دفن کرد و به ابوبکر اطلاع نداد و خودش بر او نماز خواند.^۳ بخاری اذعان می‌کند حضرت فاطمه علیها السلام، در حالی این دنیا را ترک کرد که شدیداً از دست خلیفه اول ناراضی و غضبناک بوده و با او قطع رابطه کرده بود؛^۴ همچنین زمانی که از امیر مومنان علیه السلام پیرامون راز دفن شبانه حضرت زهرا علیها السلام سؤال شد، تاکید کرد که ایشان بر جماعتی غضبناک بود.^۵ شهیدی تاکید می‌کند، به هر حال، پنهان داشتن قبر دختر پیغمبر، ناخشنود بودن او را از کسانی نشان می‌دهد و پیداست که او می‌خواست با این کار، آن ناخشنودی را آشکار سازد.^۶ ملاحظه می‌شود،

۱. قلمداران، حیدرعلی، زیارت قبور بین حقیقت و خرافات، ص ۳۰-۲۹.

۲. «مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۹»؛ «ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۸»؛ «طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ص ۵۹».

۳. «بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۷۷ و ۱۳۹»؛ «ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۹-۱۸».

۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۱۲۶.

۵. ابن شهر آشوب، ابوجعفر، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۱۲.

۶. شهیدی، جعفر، زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام، ص ۱۶۵.

مخالفت حضرت فاطمه علیها السلام با معلوم بودن قبرش، در مقام انزجار و انتقاد و اعتراض از برخی خواص صحابه و جریان‌ها از جمله غصب خلافت و غصب فدک بود که باعث ناراحتی آن حضرت از برخی شده بود.

نقل‌های تاریخی حاکی از آن است که حضرت فاطمه علیها السلام هر روز شنبه صبحگاهان، به زیارت قبور شهدا می‌رفت و بر سر قبر حمزه علیه السلام می‌آمد و از خداوند طلب رحمت و مغفرت برای او می‌کرد.^۱ حاکم نیشابوری از قول امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فاطمه دختر پیامبر، قبر عمویش حمزه علیه السلام را در هر جمعه زیارت می‌کرد. وی در تایید این روایت اذعان می‌کند که راویان این حدیث، تمام‌شان ثقة‌اند و منکرین زیارت قبور بدانند که زیارت قبور سنت است و هیچ منعی ندارد؛^۲ بنابراین از نظر حضرت فاطمه علیها السلام، زیارت قبور امری جایز بوده و استناد قلمداران به وصیت حضرت فاطمه علیها السلام در خصوص دفن مخفیانه‌اش، دال بر نهی از زیارت قبور نیست.

۴/۲. استناد قلمداران به آیه ۸۴ سوره توبه

قلمداران معتقد است که آیه «وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّتَّ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ»^۳، بر جواز زیارت قبور دلالت ندارد. او معتقد است، شیعه این فراز را دال بر جواز زیارت قبور می‌داند؛ در حالی که قیام بر قبر، ناظر به زیارت قبور نیست؛ بلکه قیام بر قبر عملی است که پس از انجام نماز میت صورت می‌گیرد، زیرا بلافاصله پس از نماز میت، قیام بر قبر، یعنی پرداختن به دفن انجام می‌گیرد.^۴

بررسی و نقد

مفسران شیعه و اهل سنت عبارت «وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ» را به دفن کردن معنا نکرده و مقصود از آن را منع از ایستادن بر بالای قبر منافقان دانسته‌اند.^۵ فاضل مقداد و حسینی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲. «حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۷۰ و ۵۳۳»؛ «بیهقی، احمد بن حسین، سنن بیهقی، ج ۴، ص ۱۳۱»؛ «صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، ج ۳، ص ۵۷۲»؛ «سبکی، تقی‌الدین، شفاء السقام، ص ۴۴»؛ «سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۳۴۰»؛ «خالقی، صدیقه، مشروعیت زیارت قبور از دیدگاه دانشمندان اهل سنت، فصل‌نامه فرهنگ زیارت، ش ۲۹، زمستان ۱۳۹۵».

۳. سوره توبه، آیه ۸۴.

۴. قلمداران، حیدرعلی، زیارت قبور بین حقیقت و خرافات، ص ۱۹-۱۸.

۵. «حسینی جرجانی، ابوالفتح، تفسیر شاهی، ج ۱، ص ۲۳۷»؛ «جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، ج ۴، ص ۳۵۱»؛



جرجانی برای مشروعیت زیارت قبور به این آیه استناد کرده‌اند.^۱ طبرسی تأکید می‌کند که آیه دلالت دارد بر اینکه، ایستادن بر سر قبر مؤمن برای خواندن دعا عبادت مشروع است.^۲ به تصریح علامه طباطبایی، این آیه بیان‌گر ایستادن پیامبر ﷺ و نماز و طلب مغفرت و دعا بر جنازه مومنین است؛^۳ به عبارت دیگر، خداوند برای هدم شخصیت منافق دستور می‌دهد که پیامبر ﷺ هیچ‌گاه نباید بر جنازه او نماز بخواند و نباید بر کنار قبر او بایستد.^۴ فخر رازی اذعان می‌کند که نهی از ایستادن بر سر قبر آنها، فقط به علت کفر و نفاق است.^۵ ابن‌کثیر معتقد است، این آیه نه تنها زیارت قبور را مشروع، بلکه آن را مستحب می‌داند.^۶ بیضاوی نیز تأکید می‌کند، اقامه نماز بر مومنان و ایستادن بر قبور آنان، در همه حال کاملاً مشروع و جایز است؛^۷ بنابراین عبارت «وَلَا تُقُمْ عَلَى قَبْرِه» بیان‌گر این است که ایستادن بر سر قبر غیر منافق، کاری شایسته است.

۲/۵. حدیث پیامبر ﷺ در خصوص قبر خویش

روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده است که می‌فرماید: قبر مرا عیدگاه قرار ندهید و خانه‌های خود را نیز قبر قرار ندهید و بر من صلوات و سلام فرستید؛ زیرا به تحقیق، درود شما به من می‌رسد.^۸ قلمداران با استناد به این روایت بر نهی از زیارت قبور تأکید دارد؛^۹ بنابراین از دیدگاه قلمداران، حدیث فوق بر نهی از زیارت قبور دلالت دارد و پیامبر اکرم ﷺ با این حدیث مردم را از زیارت قبر خود منع کرده است.

«فرمانیان، مهدی و صداقت، مجتبی، زیارت قبور و دلایل عالمان شیعه بر مشروعیت آن، فصل‌نامه شیعه‌شناسی، ش ۳۱، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۵۱-۱۴۷».

۱. «فاضل مقداد، کنز‌العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۸۱»؛ «حسینی جرجانی، ابوالفتح، تفسیر شاهی، ج ۱، ص ۲۳۹».

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۷۶.

۳. «طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۶۵»؛ «فرمانیان، مهدی و صداقت، مجتبی، زیارت قبور و دلایل عالمان شیعه بر مشروعیت آن، فصل‌نامه شیعه‌شناسی، ش ۳۱، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۴۹-۱۴۸».

۴. سبحانی، جعفر، آیین وهابیت، ص ۱۰۸-۱۰۷.

۵. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر رازی، ج ۱۶، ص ۱۱۷.

۶. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۷۲.

۷. بیضاوی، عبدالله، تفسیر بیضاوی، ج ۳، ص ۹۲.

۸. ابن‌حنبل، احمد، مسند، ج ۲، ص ۳۶۷.

۹. قلمداران، حیدرعلی، زیارت قبور بین حقیقت و خرافات، ص ۳۶-۳۴.

بررسی و نقد

احمد بن حنبل این روایت را با عبارت «قبر من را بت قرار ندهید»^۱ نقل کرده است؛ لذا احتمال دارد ناقلین روایت در نقل آن اشتباه کرده باشند و آنچه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده است، عبارت «لا تجعلوا قبری وثناً» است، نه عبارت «لا تجعلوا قبری عیداً»؛ از سوی دیگر این حدیث، حتی بر فرض صحت، دلالت بر نهی از زیارت قبور ندارد. سبکی شافعی در مورد این حدیث اذعان می‌کند که مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این است که برای زیارت قبر من، زمان معین و مشخصی قرار ندهید؛ بلکه هر زمان توانستید به زیارت قبر من بیایید.^۲ طبق نظر خفاجی حنفی، مراد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نهی از انجام برخی اعمال در کنار قبر او مانند پوشیدن لباس‌های نو، اظهار زینت، شادی و سرور را که مسلمانان در ایام عید انجام می‌دهند، می‌باشد؛^۳ بنابراین مطابق اذعان عالمان اهل سنت، حدیث ذکر شده در مقام نهی مطلق زیارت قبور توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست؛ بلکه هدف روایت چیز دیگری است؛ در نتیجه، برداشت قلمداران از سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ناقص و غیرقابل قبول است و جمله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ناظر به منع زیارت قبور نیست.

۳. بنای بر قبور

قلمداران معتقد است، اموات پرستی و ساختن بقعه یکی از آداب و سنن ادیان باطل، قبل از اسلام بوده است؛ به‌ویژه در ایران که یکی از عادات آنان، ساختن بارگاه برای شاهان بود و همه‌روژه به‌وسیله باستان‌شناسان بقعه، مرقد و یا گوری از زیر خاک بیرون می‌آید؛ به‌نظر وی در اسلام، نه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نه در زمان خلفای راشدین و زمان مسلمین صدر اول، از ساختن گنبد و بارگاه برای قبر هیچ‌یک از اولیا و بزرگان خبری نیست و با مسلمان شدن کشورهای مثل ایران و مصر، به تدریج آداب خود از جمله آداب دفن اموات را وارد دین اسلام کردند.^۴

۱. حنبل، احمد، مسند، ج ۲، ص ۲۶۴.

۲. سبکی، تقی‌الدین، شفاء السقام، ص ۴۴.

۳. خفاجی حنفی، احمد، نسیم الریاض، ج ۳، ص ۵۲۳.

۴. قلمداران، حیدرعلی، زیارت قبور بین حقیقت و خرافات، ص ۲۸ و ۱۷.



وی تعمیر قبور را شرک قلمداد می‌کند و معتقد است که ساختن و تعمیر قبور در اسلام وجود نداشته و این کار با آیات و احادیث منافات دارد. وی استناد می‌کند که امیرالمؤمنین علیه السلام، "ابوالهیاج" را مأموریت داد که هیچ قبری را که از زمین بلند شده مگذار، مگر اینکه آن را مساوی زمین گردانی و هیچ تمثال و مجسمه‌ای را مگذار، مگر اینکه آن را از بین ببری.^۱ او معتقد است پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تعمیر قبور را نفی کردند؛^۲ لذا تعمیر قبور انبیا و اولیاء الهی را مردود می‌شمارد.

بررسی و نقد

قلمداران عدم ذکر آیات و روایات درباره بنای بر قبور، عدم نقل گزارش تاریخی در مورد آن و حدیث ابوالهیاج را دلیل بر نهی از تعمیر قبور مطرح کرده است؛ لذا هر کدام به‌صورت جداگانه بررسی می‌شود.

۱/۳. جواز ساختن بنای بر قبور در آیات

علماء شیعه و اهل سنت معتقدند، آیات قرآن بر جواز ساختن مساجد و عبادتگاه بر قبور انبیا و اولیا دلالت دارد؛ برای نمونه بر اساس آیه ۲۱ سوره کهف، وقتی راز اصحاب کهف فاش گردید و مردم بر زندگی دوباره آنان واقف شدند، مؤمنان آن زمان گفتند: بر آنان مسجد ساخته شود تا مکان قبر آنها عبادتگاه گردد.^۳ ابوالسعود و زمخشری تاکید کرده‌اند، آنهایی که پیشنهاد ساختن مسجد در کنار جایگاه اصحاب کهف را دادند، مسلمانان^۴ و مؤمنین بوده‌اند.^۵ سیوطی ذیل آیه اذعان می‌کند، بر درگاه غار مسجدی ساختند و در آن برای اصحاب کهف نماز اقامه می‌کردند و درخواست آمرزش می‌کردند.^۶ فخر رازی نیز این مطلب را تاکید می‌کند؛^۱ در واقع اهل شریعت‌های

۱. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۰.

۲. قلمداران، حیدرعلی، ارمغان آسمان، ص ۲۴۰-۲۳۷.

۳. عسکری، مرتضی، بزرگداشت یاد انبیاء و بندگان صالح خدا، ص ۲۹-۲۶.

۴. مسلمان به معنای اصطلاحی امروز نبوده، بلکه منظور تسلیم فرمان الهی هست.

۵. «ابی السعود، تفسیر ابی السعود، ج ۵، ص ۲۱۵»؛ «زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۵۴»؛ «طبری، محمد بن جریر، تفسیر طبری، ج ۱۵، ص ۲۲۵»؛ «محلّی و سیوطی، تفسیر جلالین، ج ۲، ص ۳»؛ «رضوانی، علی اصغر، وهابیت و مسئله ی زیارت قبور، ص ۶۹».

۶. «سیوطی، جلال‌الدین، الجامع الصغیر، ج ۴، ص ۲۱۴»؛ «غضنفری، علی، مبانی تشیع در منابع تسنن، ص ۲۹۸-۲۹۷».

آسمانی، مساجد خود را به دلیل تبرک و اقامه نماز بر قبور اولیاء خود بنا می‌کردند؛^۲ در واقع این آیه، حاکی از جواز زیارت قبور و بناء بر قبور یا مسجد بر افراد صالح و برگزیده و الگو قرار دادن ایشان، می‌باشد؛ زیرا هیچ اشاره‌ای به شرک‌آمیز بودن آن نشده است.

۲/۳. بازسازی قبور در روایات

بنابر نقل امام صادق علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به امیرمؤمنان علیه السلام که از او پرسید کسانی که قبرهای ما را زیارت کنند و در آبادی آنها بکوشند و پیوسته به آنجا رفت و آمد نمایند، چه پاداشی دارند؟ فرمود: خدا مرقد تو و مرقد فرزندان تو را بخشی از سرزمین بهشت و قسمتی از خاک آن قرار داده و خدا دل‌های انسان‌های برگزیده از بندگان خود را به شما علاقه‌مند ساخته است؛ سپس تاکید کرد: هر کس قبور شما را آباد سازد و به آنجا رفت و آمد کند، همانند آن است که سلیمان بن داود را در ساختن بیت المقدس یاری کرده باشد و هر کس قبور شما را زیارت کند، پاداش هفتاد حج به غیر از حجة الاسلام دارد.^۳ دعوت اکید امام به زیارت قبور امامان و اولیاء الهی، مستلزم آن است که مرقد‌های آنان به شیوه‌ای باشد که افراد بتوانند آن را زیارت کنند؛ زیرا اگر مرقد‌های آنان فاقد هر نوع حفاظت و بنا باشد، باد و باران و عوامل طبیعی آثار مرقد‌ها را از بین برده و چیزی باقی نمی‌ماند، تا مردم به زیارت آنها بشتابند؛^۴ بر این اساس در تعمیر و بازسازی مرقد‌های امامان و آبادسازی آنها باید کوشش شود.

همچنین روایاتی بر ثواب زیارت قبور ائمه علیهم السلام به خصوص امام حسین علیه السلام دلالت دارند. به جهت اختصار یک نمونه بیان می‌شود: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چه ثوابی در انتظار زائر امام حسین علیه السلام است؟ فرمود: هر کس به سوی مزار او برود و او را زیارت کند و دو رکعت نماز نزد او بخواند، ثواب حجّ مبرور برای او می‌نویسند. اگر در نزد او چهار رکعت نماز بخواند، ثواب حج و عمره برای اوست. پرسیدند: آیا همین‌گونه خواهد بود، برای هر کس که هر امام واجب‌الاطاعه را زیارت کند؟ بنابراین مطابق

۱. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر رازی، ج ۲۱، ص ۱۵.

۲. موسوی، محمد، پاسخ به ۹۰ شبهه وهابیت، ص ۳۲-۳۰.

۳. «طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۵۰»؛ «حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴،

ص ۳۸۳-۳۸۲»؛ «سبحانی، جعفر، پاسداری از مرقد پیامبران و امامان، ج ۴، ص ۹».

۴. سبحانی، جعفر، پاسداری از مرقد پیامبران و امامان، ص ۵۴-۵۲.

روایات بناء بر قبور امری جایز است؛ در نتیجه سخنان قلمداران در نفی تعمیر قبور، باطل است.

نتیجه

قلمداران با استناد به حدیث پیامبر ﷺ مبنی بر نهی از زیارت قبور مدعی است که زیارت قبور توسط پیامبر ﷺ نهی شده است و آن را دلیل بر عدم مشروعیت زیارت قبور به عنوان شعائر دینی می داند. بررسی های انجام شده حاکی از آن است که روایات، دلالت بر نهی مطلق ندارند و منع پیامبر ﷺ بنا به دلایلی به دوره کوتاهی از صدر اسلام اختصاص داشته است؛ همچنین در روایات فراوانی، معصومین به صراحت، تشویق به زیارت قبور و تاکید بر آن کرده اند.

قلمداران معتقد است در هیچ یک از آیات قرآن، به مسئله زیارت قبور اشاره نشده و در دین اسلام و یا ادیان الهی، مسئله ای به عنوان زیارت قبور تشریع نشده است؛ این ادعای او با آیاتی که حاکی از جواز زیارت قبور است، همخوانی ندارد.

قلمداران وصیت حضرت فاطمه علیها السلام مبنی بر نامعلوم نبودن قبرش را دلیلی بر نهی از زیارت قبور توسط آن حضرت می داند؛ در حالی که مستندات تاریخی حاکی از آن است که این وصیت، به دلیل مخالفت ایشان با زیارت قبور نبوده؛ بلکه آن حضرت می خواسته نارضایتی خود از برخی بزرگان صحابه را در جریان غصب خلافت و غصب فدک اعلام نماید؛ علاوه بر این، مطالعه و جستجو در سیره و روش حضرت فاطمه علیها السلام در زیارت قبور، نشانگر مشروعیت این امر در نظر آن حضرت می باشد.

قلمداران با استناد به فراز «وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ» از آیه ۸۴ سوره توبه، دیدگاه شیعه ذیل آیه، مبنی بر جواز زیارت قبور را مردود می داند. این در حالی است که مفسران شیعه و اهل سنت، حکم جواز زیارت قبور را از این آیه برداشت کرده اند و معتقدند، این جمله بیانگر این است که ایستادن بر سر قبر غیر منافق، امری شایسته است.

قلمداران مخالف بناء بر قبور می باشد و معتقد است که هیچ آیه، روایت و یا گزارش تاریخی ای مبنی بر جواز آن وجود ندارد و به نوعی آن را بدعت شیعیان قلمداد می کند. این در حالی است که آیات و روایات و سابقه تاریخی بناء بر قبور، حاکی از مشروعیت

این امر و رواج آن در صدر اسلام و حتی قبل و بعد از آن است.
بنابراین مستندات قرآنی، روایی و تاریخی حاکی از این است زیارت قبور و بناء بر
آن، به عنوان یکی از شعائر دینی، امری مشروع و جایز می باشد و اشکالات قلمداران در
مسئله زیارت قبور و تعمیر آن، مردود و غیرقابل پذیرش است.



منابع قرآن کریم

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللآلی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ، قم: سیدالشہداء، ۱۴۰۵ق.
۲. ابن اثیر، عزالدین، اسد الغابہ فی معرفہ الصحابہ، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن شہر آشوب، ابوجعفر، مناقب آل ابی طالب، قم: علامہ، ۱۳۷۹ش.
۴. ابن الحاج عبدی، محمد، المدخل لابن الحاج، بی جا: دارالتراث، بی تا.
۵. ابن بابویہ، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعہ مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۶. ابن بابویہ، محمد بن علی، علل الشرائع، ترجمہ: محمد جواد ذہنی تهرانی، قم: مؤمنین، بی تا.
۷. ابن تیمیہ، احمد، الردّ علی الأحنائی، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۲۳ق.
۸. ابن حبان، محمد بن حبان، الثقات، بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۳۹۳ق.
۹. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، بیروت: دارصادر، بی تا.
۱۰. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیہ، ۱۴۱۰ق.
۱۱. ابن شہبہ، عمر بن شہبہ، تاریخ المدینہ، قم: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۱۲. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفہ مذاہب الطوائف، قم: خیام، ۱۴۰۰ق.
۱۳. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینہ دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۴. ابن قولویہ، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیہ، ۱۴۱۹ق.
۱۶. ابن ماجہ، محمد، سنن ابن ماجہ، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۸ق.
۱۷. ابو داود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت: مکتبہ العصریہ، بی تا.
۱۸. ابی السعود، تفسیر ابی السعود، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۹. اسفرائینی، ابوالمظفر، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تهرانی: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش.
۲۰. امین، محسن، کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوہاب، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۱. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الكتاب و السنہ و الادب، قم: مرکز الغدیر، ۱۴۱۶ق.
۲۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ترجمہ: عبدالحی نور احراری، تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۹۲ش.
۲۳. بغدادی، جمعه عبدالعزیز بن اسحاق، مسند الامام زید، بیروت: دار مکتبہ الحیاء، بی تا.
۲۴. بیضاوی، عبد اللہ بن عمر، تفسیر بیضاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۲۵. بیہقی، احمد بن حسین، سنن بیہقی، بیروت: دارالکتب العلمیہ، ۱۴۲۴ق.

۲۶. تمیمی، محمد بن عبدالوهاب، فتاوی و مسائل محمد بن عبدالوهاب، ریاض: جامعة الأمام محمد بن سعود، بی تا.
۲۷. جزیری، عبدالرحمان، الفقه على المذاهب الاربعه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۴ق.
۲۸. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۲۹. جمعی از محققین پژوهشکده باقرالعلوم، موسوعة سنن الرسول الاعظم، قم: پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۸۶ش.
۳۰. حافظ عراقی، عبدالرحیم، طرح التثريب في شرح التقریب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۱. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، المستدرک على الصحيحین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۳۲. حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمه فی اصول الاثمه، قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا، ۱۳۷۶ش.
۳۳. حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ق.
۳۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۳۵. حسینی جرجانی، ابوالفتح، تفسیر شاهي، تهران: نوید، ۱۳۶۲ش.
۳۶. حلی، ورام بن ابی فراس، تبیة الخواطر و نزهة النواظر، قم: مکتبه الفقیه، ۱۴۱۰ق.
۳۷. خالقی، صدیقه، «مشروعیت زیارت قبور از دیدگاه دانشمندان اهل سنت»، فصل نامه فرهنگ زیارت، ش ۲۹، زمستان ۱۳۹۵.
۳۸. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۳۹. خفاجی حنفی، احمد بن محمد، نسیم الریاض فی شرح شفاء القاضی عیاض و بهامشه شرح الشفاء، بیروت: دارالفکر، ۱۳۲۵ق.
۴۰. دارقطنی، علی بن عمر، سنن الدار قطنی، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۲۴ق.
۴۱. رضوانی، علی اصغر، وهابیت و مسئله زیارت قبور، تهران: مشعر، ۱۳۹۰ق.
۴۲. رکنی یزدی، محمد مهدی، شوق دیدار، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷ش.
۴۳. زارعی سبزواری، عباسعلی، زیارت در نگاه شریعت، تهران: مشعر، ۱۳۸۹ش.
۴۴. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۴۵. سبحانی تبریزی، جعفر، آیین وهابیت، تهران: مشعر، ۱۳۷۵ش.



۴۶. سبحانی تبریزی، جعفر، الوهابیه فی المیزان، قم: موسسه الامام الصادق (ع)، ۱۳۸۵ش.
۴۷. سبحانی تبریزی، جعفر، پاسداری از مرقد پیامبران و امامان، تهران: مشعر، ۱۳۸۹ش.
۴۸. سبکی، تقی الدین، شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام علیه افضل الصلاه و السلام، بیروت: المركز الدولي للتراث العربي، ۱۹۵۱م.
۴۹. سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۵۰. سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر، بیروت: دارالفکر، ۱۳۸۷ش.
۵۱. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۵۲. شریفی، محمود، «زیارت در سیره معصومین علیهم السلام»، فصل نامه فرهنگ زیارت، ش ۱، س ۱۳۸۸.
۵۳. شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار شرح منتقی الخبار من احادیث سید الاخبار، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۱۱م.
۵۴. شوشتری، نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۲۶ق.
۵۵. شهیدی، جعفر، زندگانی حضرت فاطمه، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲ش.
۵۶. صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مکتبه محمد الصادقی الطهرانی، ۱۴۱۷ق.
۵۷. عبود، صالح بن عبدالله، عقیده محمد بن عبدالوهاب السلفیه و اثرها فی العالم الاسلامی، عربستان: جامعه الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۵۸. صانعی، نیره السادات، پاسخ به شبهات در شبهای پیشاور، تهران: مشعر، ۱۳۸۵ش.
۵۹. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف، بیروت: المجلس العلمی، ۱۴۰۳ق.
۶۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: بنیاد علمی فکری، علامه طباطبایی، ۱۳۶۷ش.
۶۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۶۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۶۳. طبری، محمد بن جریر، تفسیر طبری، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۶۴. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۶۵. عجلونی جراحی، اسماعیل بن محمد، کشف الخفاء و مزیل الالباس عما اشتهر من الاحادیث علی السنه الناس، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۵۱ق.

۶۶. عسکری، مرتضی، بزرگداشت یاد انبیاء و بندگان صالح خدا، ترجمه: محمد جواد کرمی، تهران: مجمع علمی اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۶۷. غضنفری، علی، مبانی تشیع در منابع تسنن، قم: اسوه، ۱۳۸۸ ش.
۶۸. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، کنزالعرفان فی فقه القرآن، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۳ ش.
۶۹. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر رازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۷۰. فرمانیان، مهدی و صداقت، مجتبی، «زیارت قبور و دلایل عالمان شیعه بر مشروعیت آن»، فصل نامه شیعه شناسی، ش ۳۱، بهار ۱۳۹۲.
۷۱. قلمداران، حیدرعلی، ارمغان آسمان، بی جا: بی نا، بی تا.
۷۲. قلمداران، حیدرعلی، زیارت قبور بین حقیقت و خرافات، بی جا: بی نا، بی تا.
۷۳. کاشف الغطاء، جعفر، منهج الرشاد لمن أراد السداد، قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش.
۷۴. متقی، علی بن حسام الدین، کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
۷۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ترجمه: موسی خسروی، تهران: اسلامی، بی تا.
۷۶. محلی، جلال الدین، سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، تفسیر جلالین، ارومیه: حسینی اصل، ۱۳۸۵ ش.
۷۷. مظفر، محمدرضا، عقائد الامامیه، قم: انصاریان، ۱۳۸۷ ش.
۷۸. مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۷۹. میردامادی، عبدالمجید، زیارة الرسول المصطفی و آله بدعه او شرع، تهران: ژرف، ۱۳۸۴.
۸۰. موسوی، عبدالرحیم، زیارت اهل قبور، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۹۳ ش.
۸۱. موسوی، محمد، پاسخ به ۹۰ شبهه و هابیت، تبریز: کانون تبلیغی و فرهنگی برهان، بی تا.
۸۲. ناصف، منصورعلی، التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۸۳. نسائی، احمد بن شعیب، سنن نسائی، حلب: کتب المطبوعات الإسلامیه، ۱۴۰۶ ق.
۸۴. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت (ع)، ۱۳۶۶ ش.
۸۵. نووی، یحیی بن شرف، المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن الحجاج، قم: مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۸۶. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، مصر: مکتبه محمد علی صبیح، ۱۳۳۴ ق.
۸۷. واقدی، ابن عمر، فتوح الشام، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۸۸. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، قاهره: مکتبه القدسی، ۱۴۱۴ ق.



